

تکامل اقتصادی و بازار مشترک عربی: علل شکست و شرایط حرکت

عبدالغنی عماد، استاد دانشگاه لبنان
ترجمه و تلخیص عبدالرضا همدانی، پژوهشگر
مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک
خاورمیانه

پروژه بازار مشترک عربی و تکامل اقتصادی در عصر جهانی شدن بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا هر چقدر توان اقتصادی کشور ما ضعیف‌تر باشد، راحت‌تر توسط قدرتهای بزرگ اقتصادی بلعیده می‌شوند و مجبور می‌گردند که حتی به لحاظ سیاسی و فرهنگی نیز از این قدرتها تبعیت کنند. این نوشته به دنبال تبیین اهمیت بازار مشترک عربی و تکامل اقتصادی نیست، که در مورد آنها بسیار نوشته شده است، آن هم در اندازه‌ای که درصد مقایسه تجربه شکست خورده عربی در برابر تجربه موفق اروپا در زمینه ساز و کارها و قوانین تکمیلی و توحیدی می‌باشد.

در ۲۵ مارس ۱۹۵۷، شش کشور

است، طوری که به نظر می‌رسد صنایع داخلی برای یک دوره ۵ تا ۱۰ ساله نیازمند پشتیبانی و حمایت می‌باشند. براین اساس، اقتصاد کشور می‌تواند با سرعتی بیشتر از نو بازسازی و تنظیم شود و مهم‌ترین عنصر افزایش و پیشرفت واقعی در فعالیت بخش خصوصی قرار دارد. به همین دلیل در ایران نتیجه‌ای از تحریم پدیدار نیست، اما در یک مرحله توسعه فعالیت اقتصادی بخش خصوصی شکاف جدی در فعالیت اقتصادی ایران به وجود خواهد آورد. پیشرفت اقتصادی با عدم مدیریت و نامناسب بودن روند اقتصاد در سیستم قاعده‌مند، غیر ممکن است؛ عضویت چین گواهی بر این مدعاست، اما اگر اساساً ایران نخواهد به سرعت اقدام کند، پشت درهای حرکت سریع اقتصاد جهانی شدن باز خواهد ماند.

اروپایی معاهده اتحاد اقتصادی اروپا امضا کردند و این امر سر آغازی شد برای ادامه مسیر تکامل اقتصادی اروپا که هم اکنون به واحد پول مشترک «یورو» رسیده است. در ۳۰ ژوئن ۱۹۵۷ موافقت نامه وحدت اقتصادی عربی اعلام شد و تا ۳۰ فوریه ۱۹۶۴، که موافقت نامه بازار مشترک عربی توسط تنها چهار کشور مصر، سوریه، اردن و عراق - بعدها لیبی و موریتانی نیز به آن پیوستند به امضاء رسید به حالت اجرایی در نیامد و حتی پس از اجرا نیز هیچ نتیجه قابل ذکری نداشت.

در مقایسه فوق، این سؤال پیش می آید که چگونه اروپا موفق شده است منازعات فی مابین را حل و فصل کند و حتی به سمت اتحادی فراگیر حرکت نماید، در حالی که اعراب حتی در تقویت و پیشرفت اتحادیه عرب نیز ناتوان مانده اند؟ اروپا موفق شد چنین اتحادی را پس از دو جنگ خانمانسوز جهانی که در آن خون میلیونها نفر ریخته شد، به وجود آورند در حالی که هیچ جنگ خونینی میان اعراب رخ نداده است، بلکه در عوض عوامل اتحاد و همبستگی بسیاری در میانشان وجود دارد.

اعراب امت واحدی هستند، زبان کلیانی دارند، تاریخ و فرهنگ مشترک در میانشان است، در حالی که در اروپا ملتها متفاوتند و همواره در طول تاریخ میان ملتها، فرهنگها و اقوام مختلف جنگها و درگیریهای متعددی رخ داده است، ضمن آنکه در کنار عوامل فوق وجود زبانهای مختلف و متنوع، مانع از هرگونه کار مشترکی می شود این مقایسه بسیار زجرآور است؛ زیرا نقاط مشترک اعراب بسیار بیشتر از اروپاییان است.

اما اینک این سؤال مطرح است که آیا اعراب می توانند از تجربه اتحادیه اروپا استفاده کنند؟ به ویژه آنکه با رواج واحد پول اروپایی «یورو» این موضوع بار دیگر اهمیت یافته است؟ در پاسخ به این سؤال می توان اظهار داشت که در جهان عرب دو دیدگاه وجود دارد. یک دیدگاه به تجربه اتحاد اروپا اهمیتی نمی دهد و متعقد است نقاط اشتراک اعراب بسیار بیش از اروپائیان است و در نتیجه اروپا نمی تواند تجربه وحدت و تکامل خود را به اعراب عرضه کند. دیدگاه دیگر به دستاوردهای اروپاییان با شگفتی و حیرت نگاه می کنند و وضعیت کنونی جهان عرب را مایوس کننده می دانند. هیچ یک از

دو دیدگاه فوق تجربه ارزشمند اروپا را درست ارزیابی نکرده اند، به رغم آنکه در این روند تکامل و وحدت اروپا در سهای بسیاری نهفته است که باید مطالعه و تحلیل شود.

تحولات فرآیند اتحادیه اروپا

طی مراحل مختلف تاریخ اروپا از امپراتوری تا پادشاهی، از دیکتاتوری و فاشیسم تا دموکراسی و نظامهای پارلمانی و جمهوری، حقیقتی نهفته است که تبدیل به واقعیت سیاسی و تاریخی غیر قابل بحثی شده و آن این است که اروپا مجموعه ای از ملتها و فرهنگهاست و هرگز یک ملت واحد نیست. در نتیجه مفهوم کلی کلمه «اروپا» تنها بر عنصر جغرافیایی استوار است. به همین دلیل تمامی تلاشها و تجربه های وحدت قاره اروپا که بر مبنای نظامی یا سیاسی و یا اقتصادی بود، طی هزار سال گذشته با شکست روبه رو شده بود. اما پس از جنگ جهانی دوم، کشورها تلاش کردند تا به هم گرایی سیاسی و اقتصادی دست یابند. بر همین اساس در ماه مه ۱۹۴۹، دو کشور ایرلند، سوئد، دانمارک، نروژ، ایتالیا، فرانسه، انگلستان و سه کشور بلوکس یعنی

هلند، بلژیک و لوکزامبورگ، شورای اروپا را تشکیل دادند. این شورا که بیشتر شبیه یک انجمن مشورتی بود، با اجماع کلیه دولتهای عضو گرفته می شد و تنها به اعطای پیشنهاد و توصیه به این دولتها بسنده می کرد. ماهیت

مشورتی این شورا بسیار به اتحادیه عرب شبیه بود، اما تفاوت این دو در آن است که پیشتازان اتحادیه اروپا به همین شورا اکتفا نکردند، بلکه با تشکیل اتحادیه فون در زغال سنگ اروپا که دارای شورای وزیران، اتحادیه پارلمان و دادگاه حل اختلاف بود و در ۱۸ آوریل ۱۹۵۱ تشکیل شد گام مهمی در روند وحدت اروپا برداشتند. این اتحادیه آغاز واقعی برای هم زیستی آلمان و فرانسه پس از جنگهای طولانی میان دو کشور بود و با قرار گرفتن صنایع فولاد و زغال سنگ آلمان که، اساس و شالوده صنایع نظامی بودند، تحت نظارت بین المللی، فرانسه از تهدیدهای آلمان آسوده شد.

مدتی بعد و به ویژه پس از جنگ کره ایالات متحده برای بازسازی نظامی آلمان و ورود آن کشور به سازمان پیمان آنتلاتیک شمالی (ناتو) فشار آورد. این بار موافقت فرانسه منوط به تشکیل ارتش مشترک

اروپایی شد. بدین ترتیب در سال ۱۹۵۲ جامعه دفاعی اروپا (E.D.C) پا به عرصه نهاد، اما پس از آنکه در ۳۰ اوت ۱۹۵۴ پارلمان فرانسه با اکثریت ۳۱۹ رأی در مقابل ۲۶۴ رأی پیستن به جامعه دفاعی را رد کرد، این جامعه از هم فروپاشید.

اگرچه اتحاد دفاعی - نظامی اروپا محقق نشد، اما کشورهای اروپایی در مسیر دیگری به هم‌گرایی خویش ادامه دادند و به تشکیل بازاری مشترک و نزدیک کردن اقتصادهایشان به یکدیگر گام برداشتند. بازار مشترک اروپا که در ابتدا توسط سه کشور بنلوکس تشکیل شد، به سرعت به یکسان‌سازی تعرفه‌های گمرکی پرداخت و سیاست کشاورزی مشترکی را ایجاد کرد.

بین سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۵ کشورهای انگلستان، دانمارک، ایرلند، یونان، اسپانیا، پرتغال، اتریش، سوئد و فنلاند به این بازار پیوستند و تعداد اعضا آن به ۱۵ کشور رسید. با امضاء پیمان ماستریخت در ماه دسامبر سال ۱۹۹۱ نخستین گام برای پول مشترک اروپا برداشته شد. در سال ۱۹۹۴ مؤسسه مالی اروپا به عنوان مرحله آماده‌سازی تأسیس بانک مرکزی اروپا، آغاز به کار کرد.

در ماه مه ۱۹۹۸ و در بروکسل کشورهای آلمان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، فنلاند، هلند، بلژیک، لوکزامبورگ و اتریش برای استفاده از پول واحد اروپایی «یورو» انتخاب شدند. دانمارک و بریتانیا در پیوستن به این پول واحد درنگ کردند.

ارزیابی علل موفقیت

می‌توان علل و عوامل موفقیت را به طور خلاصه این چنین برشمرد:

۱. تدریجی بودن و استمرار یافتن آن، به رغم وجود موانع مختلف و پی‌گیری دائمی برای یافتن راه‌حلهای جدید؛

۲. استناد به رضایت مردمی و مشارکت دموکراتیک؛

۳. پایبندی کشورها به مرزهایی که پس از جنگ جهانی دوم ترسیم شد؛

۴. شکست اتحاد امنیتی - نظامی و سیاسی مانع از آن نشد که در جهت ایجاد باب همکاریهای اقتصادی تلاشی صورت نگیرد؛

۵. باز بودن در ب عضویت بای کشورهایی که دارای پتانسیل لازم برای ورود به آن بودند؛

۶. تسریع در مشارکت دادن عملی مردم در فرآیند اتحاد و یک پارچگی اروپا مثل یکسان سازی قوانین و صدور گذرنامه و گواهینامه مالی جدیدی که در دیگر کشورهای اروپایی نیز قابل استفاده باشد.

تحولات بازار مشترک عربی

به محض آنکه جنگ جهانی دوم پایان یافت و بعضی از کشورهای عربی استقلال یافتند، این منطقه شاهد به وجود آمدن اتحادیه عرب شد. این اتحادیه و در آغاز شامل هفت کشور مصر، سوریه، لبنان، اردن، عربستان سعودی، عراق و یمن بود که در ۲۲ مارس ۱۹۴۵ تأسیس آن را اعلام داشتند. این هفت کشور رسماً اعلام کردند که تأسیس این اتحادیه نخستین گام در مسیر اتحاد ملل عرب است و گامهای دیگری نیز برداشته خواهد شد.

اصول کلی اتحادیه عرب که در منشور آن ذکر شده است، به قرار زیر می باشد:

۱. برابری کامل میان همه اعضا؛
۲. حفاظت از تمامیت ارضی

کشورهای عضو؛

۳. عدم مداخله در امور داخلی؛

۵. همکاری متقابل میان اعضا در عرصه های مختلف؛
۶. همکاری اعضا، زمان تجاوز به یکی یا همه آنها.

مکانیسم تصمیم گیری از طریق شورای اتحادیه است و هر کشور یک رأی دارد. اگر تصمیمهای اتخاذ شده با اجماع تمامی کشورها باشد، برای هم لازم الاجراست اما اگر اکثریت آن را اتخاذ کنند، دولت‌هایی که به آن تصمیم رأی نداده اند نیازی به اجرای آن ندارند. همین مسئله موجب شده است تا برخی از کشورهای به تصمیمهای اتحادیه عرب توجهی نکنند و در نتیجه اتحادیه عرب نتواند دارای هویتی مستقل و قوای کافی برای اجرای اهداف مورد نظر باشد. با این حال، اتحادیه عرب در دهه های ۵۰ و ۶۰ قرن گذشته میلادی از طریق موافقت نامه های متعددی که شامل امور اقتصادی، علمی و فرهنگی می شد، گامهای خوبی برداشت. نمونه هایی از این موافقت نامه ها در جدول (انتهای متن) آورده شده است. ولی آنچه که موجب شد تا حرکت مناسب اتحادیه عرب در مسیر ایجاد وحدت اقتصادی و مالی با مشکلاتی مواجه شود،

نبود سازو کارهای اجرایی مناسب، چه در سطح کشورها و چه در اجرای صحیح موافقت نامه ها از سوی نهادها و یا سازمانهایی است که مکلف به اجرای آن می شدند؛ ضمن آنکه ماهیت اقتصادی کشورهای عربی و نبود اراده سیاسی لازم در اجرای این موافقت نامه ها نیز در ناکامی آنها تأثیر به سزایی داشت. به لطف درآمدهای نفتی، حجم پروژه های مشترک عربی از ۱۵ پروژه با سرمایه ۲۹۳ میلیون دلار در ابتدای دهه ۷۰ میلادی به ۸۵۶ پروژه با سرمایه ۳۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۷ رسید. سهم این پروژه ها در صنایع تبدیلی ۲۸/۱ درصد، مهندسی ۱۰/۵ درصد، ساختمان ۱۷/۷، معدن ۱۱ درصد و مواد غذایی ۹/۴ درصد بود، اما تأثیر این پروژه ها در مسیر تکامل اقتصادی زیاد نبوده است و به افزایش سطح همبستگی عربی منجر نشده است.

در دهه ۹۰ میلادی و با حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰، ساختارها و مؤسسه های کار مشترک عربی آسیب دید و باقی مانده مناسبات سیاسی عربی به سوی نزاع و درگیری کشیده شد. رویدادهای سیاسی مسیر تکامل اقتصادی را با مشکلات

فراوانی مواجه ساخت، به طوری که میانگین تجارت میان کشورهای عربی در سطح ۹ درصد باقی ماند. در حالی که در این دوره مرادوات تجاری اتحادیه اروپا به ۶۰ درصد، نفتا به ۳۰ درصد و کشورهای آ.سه. آن به ۴۰ درصد افزایش یافته بود.

علل ناکامی و شکست

می توان علل تمامی شکستها را بر دوش استعمار و صهیونیسم انداخت و به آن اکتفا کرد، اما این باعث نمی شود تا ما گامی به جلو برداریم. بنابراین ضروری است که با دیدگاه انتقادی به تجربه های گذشته خود بنگریم تا بتوانیم از آنها استفاده مطلوبی ببریم. بنابراین ملاحظات زیر حائز اهمیت است.

الف. اختلافات سیاسی میان دولتهای عربی با از بین بردن امکان کار مشترک، همه موافقتنامه های اتحادیه عرب را بی تأثیر کرده است؛

ب. نبود سازو کاری که قادر به پی گیری و اجرای تصمیمهای اتحادیه عرب باشد؛

ج. نبود اراده وحدت طلب صادق؛

مشترک عربی و یا منطقه آزاد تجاری عربی
بپیوندند؛

ی. افراط دولتها در تمسک به اصل
سیادت ملی که در نتیجه دخالت برخی از
دولتهای عرب در امور داخلی دولتهای دیگر
به وجود آمده است؛ و

ک. ناتوانی در فن تعامل با اختلافهای
میان کشورها. بعضی از نخبگان نمی دانند
برای استمرار فعالیت خویش، بهترین را برای
کاستن از اختلافها و افزایش دستاوردها
چگونه است. فن تعامل با اختلافها گاهی نیاز
دارد که بعضی از اهداف ثانویه و برای رسیدن
به هدف اصلی قربانی کرد. ضمن آنکه
رسیدن تدریجی به تمامی اهداف و عدم
اصرار بر رسیدن یکباره به همه آنها نیز به
تبحر و مهارت حاکمان نیاز دارد.

بدین ترتیب اتحادیه عرب انتخابی
راهبردی برای همه نبود، بلکه مهملی بود که
هر وقت نیاز می شد، مورد استفاده قرار
می گرفت و هرگاه منافع ایجاب نمی کرد، به
راحتی از آن صرف نظر می شد.

د. تکیه دولتهای عربی بر درآمدهای
گمرکی به عنوان یکی از منابع اصلی بودجه
که مانع از ایجاد تعرفه های گمرکی مشترک
می شود؛

ه. شتاب زدگی در حدود
تصمیمهای مربوط به کار مشترک عربی و
نبود چارچوب اطلاعاتی و آماری شفاف؛

و. در نظرنگرفتن همکاری اقتصادی و
استفاده از کلیه پتانسیلها به عنوان یکی از
پایه های اساسی امنیت ملی؛ هنوز هم تانکها
و سربازها عامل اصلی امنیت ملی به حساب
می آیند؛

ز. اختلاف نظر نظامهای اقتصادی
عربی در مورد نقش بخش خصوصی که مانع
از تدوین دیدگاهی مشترک و وضع راهبرد
مناسب در زمینه نقش مورد نظر از دولت و
بخش خصوصی می شود؛

ح. ترجیح دادن موافقت نامه های
دوجانبه به جای موافقت نامه ها و تصمیمهای
اتخاذ شده از سوی اتحادیه عرب، بدون توجه
به دموکراسی و مشارکت مردمی؛

ط. تکیه بر اصل اجماع دولتها بر روی
تصمیمهای اتحادیه عرب، در حالی که
کشورها می توانند به صورت تدریجی به بازار

مقایسه میان دو تجربه و درسهای کسب شده

مقایسه میان تجربه اتحادیه اروپا و اتحادیه عرب هرگز کاملاً دقیق و درست نخواهد بود؛ زیرا شرایط تاریخی، سیاسی، اقتصادی و ژئواستراتژیک هر کدام با دیگری متفاوت است.

در اروپا این تحول به صورت مداوم و تدریجی انجام شد. هویت ملی ویژه هر دولت اروپایی قبلاً ضروری و لازم بود به تجربه هم‌گرایی شکل گرفته و جامعه از ساختار فئودالی به صنعتی گام نهاده بد. احزاب و سندیکاها و مؤسسه‌های جامعه مدنی تبلور و استقرار یافته بودند. این دولت‌ها از نظام‌های پادشاهی که شاهان آن با حق الهی مقدس به حکومت دست یافته بودند، به نظام‌های دموکراتیک تغییر ماهیت دادند و آخرین نحله‌های دیکتاتوری و توتالیتراریسم را با شکست نازیسم و فاشیسم در جنگ جهانی دوم تصفیه نمودند، و بالاخره آنکه این تجربه با از بین رفتن نیروی سلطه طلب و برتری جوی کشورهای چیره‌شده بر همسایگان خود بودند، نظیر تلاش فرانسه در خلال جنگ‌های ناپلئون و آغاز جنگ جهانی

دوم توسط آلمان نازی به دست آمد. اما در جهان عرب این امر کاملاً متفاوت است. بسیاری از کشورهای عربی هنوز در مرحله ساخت دولت قرار دارند و هنوز تعلقات عشیره‌ای و طایفه‌ای شهروندانشان فراتر از هویت ملی آنان قرار دارد. در تجربه اروپا میان تکامل اقتصادی و سیاسی تفکیک و به دنبال افزایش هم‌گرایی اقتصادی، پارلمان اروپا نیز تأسیس شد. اما در جهان عرب ابعاد تکامل سیاسی و اقتصادی در یکدیگر ادغام گشت و اتحادیه عرب نتوانست آن را به درستی هدایت کند و در نتیجه اختلاف‌های سیاسی بر مسیر تکامل اقتصادی تأثیر منفی گذاشت.

می‌توان تفاوت رشد اقتصادی و میزان صنعتی شدن اروپا و جهان عرب را به عنوان مبنای انعکاس دهنده مجموعه مختلفی از ارزش‌های اجتماعی و رفتاری ارزیابی کرد. در حالی که اروپا به داده‌های عقل که به تکثرگرایی و حق اختلاف نظر معترف است و حل مشکلات را به صورت تدریجی دنبال می‌کند، در جهان عرب شور و هیجان بر هر گونه تصمیمی غالب است، اختلاف نظرها در پاره‌ای موارد به عنوان خیسانتی ملی

توصیف و مسایل و مشکلات تعمیم داده می شوند. اغلب اوقات برای اختلافهایی که در اروپا پدید می آید، راه حلی در چارچوب نهادها و مؤسسه های موجود برای آن یافته می شود، در صورتی که در جهان غرب بروز اختلافها منجر به قطع کامل روابط و تبادل تهمت می گردد. در بعضی از کشورهای عربی هنوز تکثر سیاسی، نظارت مردمی و پارلمان ملی وجود ندارد، در حالی که در اروپا این گونه موارد نه تنها کاملاً حل شده است، بلکه ملتها برای انتخاب نمایندگانشان در پارلمان اروپا به صندوقهای رأی می روند. با توجه به تمامی موارد فوق آیا می توان در جهان عرب از تجربه اتحادیه اروپا استفاده کرد؟ بدون شک شرایط تجربه و وضعیت هر دو جامعه با یکدیگر متفاوت است. اما نه تنها می شود از این تجربه استفاده کرد، بلکه ضرورت دارد که چنین اقدامی صورت گیرد. اما منظور از استفاده از این تجربه به معنای پیروی کورکورانه نیست، بلکه باید برنامه وروش مناسبی برای بهره گیری از این تجربه داشت. شاید پیشنهادهای زیر برای آغاز استفاده از تجربه اروپا مناسب باشد؛

۱. نوسازی و تحول منشور، اساسنامه و دستگاہهای اتحادیه عرب به منظور:

الف. ایجاد تغییر در قوانین رأی دهی و نمایندگی؛

ب. تعیین اصل «مقدم بودن منشور» و مرجع بودن آن بر تمامی موافقت نامه هایی که میان کشورهای عربی منعقد می شود؛

ج. تأسیس دیوان عدالت عربی که در اجلاس سران سال ۱۹۹۶ در قاهره تصمیم به تشکیل آن گرفته شد. این دادگاه می تواند وظائف اصلی داشته باشد؛ شامل:

۱. حل و فصل منازعات عربی؛

۲. اعلام آراء کارشناسی در مورد مسایلی که نیازمند آراء قانونی است؛ و

۳. تفسیر معاهده ها و میثاقهای بین المللی به هنگام نیاز.

۲. تثبیت تشکیل سالانه اجلاس سران، این امر موجب می شود تا نقش اتحادیه اهمیت بیشتری یابد؛

۳. جدا ساختن کار اقتصادی مشترک عربی از تمایلات سیاسی و نگرشهای ایدئولوژیک؛

۴. عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و صرف نظر کردن از صدور انقلاب و کودتا و کمک مالی به اپوزیسیونهای مسلح؛

۵. تکیه بر اصل رأی‌گیری ملی در تصویب معاهده‌ها و گام‌های اتخاذ شده برای وحدت و تکامل بیشتر برای تأکید بر اصل مشارکت افکار عمومی عربی و تضمین ضمانت اجرایی این معاهده‌ها در صورتی که شرایط سیاسی تغییر کند؛

۶. وضع یک راه‌برد کلی برای هم‌گرایی اقتصادی عربی که شامل تعیین برنامه زمان‌بندی شده و تدریجی باشد و موافقت‌نامه بازار مشترک عربی را از روی کاغذ به واقعیتی عملی تبدیل سازد؛

۷. کار بر روی ایجاد ساختارهای زیربنایی عربی مشترک نظیر احداث راه‌های ارتباطی و مخابرات، کاهش سریع تعرفه‌های گمرکی و تقویت چارچوب اطلاعاتی در مورد فعالیت ساختارهای اقتصادی کشورهای عربی؛ و

۸. اهمیت دادن به دموکراسی و مشارکت مردمی در اروپا دموکراسی هم‌گام با هم‌گرایی و اتحاد بود، در حالی که برای مثال در الگوی اتحاد جماهیر شوروی سابق، اتحاد جمهوری‌ها اجباری، بدون رعایت تکثرگرایی، دموکراسی و حق مشارکت مردم بود که نتیجه‌ای جز شکست در بر نداشت. بسیار واضح است که احتمال

موفقیت هم‌گرایی و وحدت در پرتو نظام‌های دموکراتیک افزایش می‌یابد و برعکس، در نظام‌های دیکتاتوری و توتالیتر احتمال موفقیت کمتر می‌شود.

می‌توان گفت که جهان امروز جهان اتحاد‌های بزرگ است. کارتل‌های بزرگ اقتصادی جهان را به سمت اتحاد بازار و جهانی شدن سوق داده‌اند و دیگر هیچ کشور جهان سومی نمی‌تواند به تنهایی فرآیند رشد و توسعه را دنبال کند. از این رو است که پروژه‌هایی نظیر تکامل اقتصادی عربی و بازار مشترک عربی یک ضرورت می‌باشند. کسانی که امروز ناامید شده‌اند و معتقدند که دیگر نمی‌توان به آرزوی اتحاد اعراب دست یافت باید بدانند که چهل سال پیش نیز اگر سخنی از اتحاد اقتصادی و سیاسی اروپا به میان می‌آمد آن را جنون آمیز می‌دانستند، اما امروز این امر تحقق یافته است. بنابراین ملت‌های عربی نیز برای رسیدن به آرزوی خویش اندکی ایدئولوژی و راهبردهای بسیار، اندکی نظریه و برنامه‌ریزی‌های بسیار و اندکی کلام و کار و تلاش بسیار احتیاج دارند.

اتحادیه اروپا		کار مشترک عربی	
موافقت نامه ها و معاهده ها	سال	موافقت نامه ها و معاهده ها	سال
تأسیس سازمان همکاری اقتصادی اروپا	۱۹۴۶	تأسیس اتحادیه عرب	۱۹۴۵
معاهده لوکزامبورگ با عضویت ده کشور	۱۹۴۹	معاهده فرهنگی عربی	۱۹۴۵
امضاء معاهده مجموعه زغال سنگ و فولاد	۱۹۵۱	شورای اقتصادی	۱۹۵۰
ECSC			
معاهده ۱۱ متشکل از گروه اقتصادی اروپا و گروه اروپایی انرژی هسته ای EURATOM	۱۹۵۷	موافقت نامه تسهیل مبادلات تجاری	۱۹۵۳
لغو آخرین تعرفه های گمرکی (۱۵ درصد) در مورد تولیدات صنعتی و وضع تعرفه گمرکی مشترک برای محصولات خارجی	۱۹۶۸	موافقت نامه وحدت اقتصادی عربی	۱۹۵۷
برگزاری اجلاس دوم پاریس و اعلام انتخاب پارلمان اروپا از طریق رأی گیری مستقیم از مردم	۱۹۷۴	موافقتنامه بازار مشترک عربی که هدف از آن برپایی منطقه آزاد تجاری و سپس رسیدن به وحدت گمرکی به طوری که تمامی قید و بندهای حرکت کالا میان کشورهای عضو برچیده شود.	۱۹۶۴
برگزاری نخستین انتخابات پارلمان اروپا با ۴۱۰ کرسی، میزان مشارکت مردم در این انتخاب ۶۰ درصد بود.	۱۹۷۹	موافقت نامه همکاری عربی برای استفاده مسالمت آمیز از انرژی هسته ای	۱۹۶۵
برگزاری دومین انتخابات پارلمان اروپا	۱۹۸۴	تأسیس سازمان کشورهای عربی صادر کننده نفت (آوپک)	۱۹۶۸
موافقت نامه شینگن که موجب برچیده شدن مرزها و موانع میان کشورهای اروپایی شد.	۱۹۹۰	تشکیل صندوق عربی توسعه اقتصادی و اجتماعی	۱۹۶۸
امضاء معاهده اتحادیه اروپا در ماستریخت (ژوئن)	۱۹۹۲		
آغاز اجرای بازار مشترک چهارمین انتخابات پارلمان اروپا	۱۹۹۴	موافقت نامه انتقال سرمایه های عربی سازمان عربی توسعه صنعتی تأسیس شد	۱۹۷۲
ورود سوئد، فنلاند و اتریش به اتحادیه اروپا و افزایش تعداد اعضا به پانزده عضو	۱۹۹۵	اعلام میثاق کار اقتصادی عربی در اجلاس سران در امان ولی در عمل این میثاق اجرا نشد	۱۹۸۰
اتحادیه اروپا تصمیم می گیرد که نام واحد پول متحد خود را «یورو» بنامد و تصمیم می گیرد که تا سال ۲۰۰۲ این پول را رواج دهد.	۱۹۹۵	موافقت نامه آسان سازی مبادلات تجاری	۱۹۸۰
یورو به واحد پول اتحادیه مالی اروپا که یازده کشور فرانسه، آلمان، اتریش، اسپانیا، پرتغال، ایرلند، هلند، بلژیک، فنلاند و لوکزامبورگ را شامل می شود، تبدیل می گردد.	۱۹۹۹	موافقت نامه تأسیس منطقه آزاد تجاری در این	۱۹۸۱
اسکناس و مسکوکات یورو برای استفاده همگان وارد بازارهای اروپایی می شود و واحدهای پول ملی از بازار خارج می گردند.	۲۰۰۲	موافقت نامه قوانینی برای آزاد سازی مبدلات تجاری طی ده سال آینده از ابتدای سال ۱۹۹۸ تصویب شد.	۱۹۹۷